

فایل ۱۰۱۲

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا و حبيب الهنا ابى القاسم محمد صلى الله عليه و على آله الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين

شب جمعه اول ماه رجب شب ؟ نامیده شده است آن ماه ماه حرام است ماه رجب از ماه های حرام خود عنوان ماه رجب هم شب روایق ماه حرام که چهار ماه در سال داریم ماه رجب جداست از آن سه ماه ماه ذی القعدة ذی حجه و محرم این سه ماه پشت سر هم است ماه رجب جداست در قرآن کریم هم روی مساله شهر حرام تکیه شده است که يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفِّرَ بِهِ ۖ كِتَالٌ فِيهِ حَرَامٌ تحریم شده است خوب این تحریم می شود قتال با کفار اگر در این ماه هایی که جنگ با کفار حرام شده اگر کسی واقعا با خدا محاربه کند این چقدر دیگر گناه بزرگی است قتال با کفار گناه است کبیر ؟ قتال ابتدایی و بنابراین اگر کسی در این ماه های حرام با عصیان و طغیان با خدا محاربه کند یکی گناهش ؟ خواهد بود گفته اند در این ماه حمله بر کفار را ترک کنید و چه بسا زمینه مساعدتری برای تهذیب نفس فراهم بشود که با آن کافر درونی خودتان مبارزه کنید در این ماه ها مبارزه با کافر درونی که همان نفس اماره انسانی است مقدم شده است محاربه با خدا نکنید با نفس خود مبارزه کنید او را مطیع خدا بسازید حرام یعنی محترم این چیزی که باید از آن حریم گرفت باید فاصله گرفت کارهایی که مناسب شان او آن شخص یا آن محل یا آن ماه نیست انجام نداد ما هم ماه حرام داریم هم بلد حرام داریم که مکه است بلد الحرام است شهر الحرام هم که رجب ذی القعدة ذی الحجه محرم است محترم این کارهایی که حرام است گفته می

شود حرام آن باز برای همین است باید فاصله انسان بگیرد حریم بین خود و آن کارها قایل شود غرق را نشکند که در روایتی داریم که فرمودند لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، رحم الله مَحَارِمُهُ هر سلطانی حمائی دارد حما یعنی غرق غرق به آن جایی گفته می شود که اختصاص به شخصی یا جمعی دارد که دیگران حق ورود به آنجا را ندارند آن محلی که اختصاص به شخص یا اشخاصی داده می شود که دیگران حق ورود به آنجا را ندارند به آنجا می گویند غرق حما در لغت عرب به معنای همان غرق است که کل ملک حما هر سلطانی یک غرقی دارد یک جایی را به خود اختصاص می دهد و دیگران حق ورود به آنجا را ندارند باید در حول و حوش آن غرق هم کسی گردش نکند که چه بسا کم کم نزدیک شود به غرق که در روایت داریم گوسفندان خود را در حول و حوش غرق نچرانند که ناگهان گوسفندها بریزند در غرق بعد آن انسان آتش قعر سلطان بسوزد خدا هم که ملک الملوک است او هم غرقی دارد غرق خدا محارم محرماتی که معین کرده غرق خداست. کسی حق ندارد در فضای محرمات داخل بشود. حتی فرمودند در حول و حوش آنها هم نچرخید حول و حوش محرمات مثلا مکروهات شبهات بعضی کارها حرام بین نیست شبهه ناک است همین کارهای شبهه ناک حول و حوش غرق است حول و حوش محرمات است که اگر انسان در مکروهات و شبهات خودش را رها کند ممکن است کم کم گوسفند نفس اماره انسان وارد شود بی پروا در فضای محرمات و غرق را بشکند وقتی غرق بکشند نفس اماره به آتش قعر خدا خواهد شد لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، رحم الله مَحَارِمُهُ غرق قعر سلطان است هر سلطانی غرقی دارد و غرق خدا این محارم محرمات خداست مراقب باشید گوسفندان خود را در حول و حوش این غرق نچرانید که ناگهان وارد غرق گاه شوید. پس به هر حال یَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ این ماه حرام است و این قدر محترم است و رعایت بیشتری باید بشود در این ماه ها بیشتر از سایر ماه ها که انسان نکند به جای اینکه کسب رحمت کند جلب غضب خدا بکند که این ماه ها

ماه رحمت است باید کاری کند رحمت خدا را به خود جلب کند ان وقت در این ماه ها گناه مضاعف خواهد بود گناه در سایر ماه ها هر چه هست در ماه های حرام کیفرش بزرگتر می شود بعد از عنوان ماه حرام ماه رجب است خود ماه رجب هم که کافی است در فضیلت او مساله ملک داعی دیگر این فرشته ای که هر شب در ماه رجب از اول شب تا به سحر از جانب خدا ندا می کند دعوت میکند بندگان خدا را نمی خواهید با من همنشین شوید نمی خواهید با من صحبت کنید نمی خواهید با من انس بگیرید من که در رحمت باز می کنم به سوی شما دعوت می کنم آیا شما نمی خواهید به دعوت من لبیک اجابت بگویید ان ملک داعی سایر شب های سال فقط ساعت آخر شب این ندا بلند است همه ساعات نیست در شب های دیگر سال فقط ساعت آخر شب این ندا بلند می شود هَلْ مِنْ سَائِلٍ هَلْ مِنْ دَائِمٍ هَلْ مِنْ تَائِبٍ توبه کاری هست بیاید دعاکننده ای هست بیاید تقاضاکننده ای هست بیاید فقط در ساعت آخر شب است و شب های جمعه که می شود از اول شب تا به سحر در شب های جمعه از اول شب تا به سحر این ندا بلند است ماه رجب که می شود هر شب است در ماه رجب هر شب از اول شب تا به سحر این ندا بلند است ماه رمضان که می شود تمام ساعات شبانه روز بلند است در ماه رمضان یک امتیازی دارد که منحصر به شب نیست بلکه تمام ساعات شبانه روز ماه رمضان این منادی خدا دعوت می کند حالا در ماه رجب این ملک داعی دعوت می کند که طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ خوشا به حال کسانی که به یاد خدا هستند خوشا به حال کسانی که حال عبادت در پیشگاه خدا دارند بعد وَ يَقُولُ اللَّهُ عزوجل آن ملک می گوید خدا می فرماید أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي هر که با من بخواند مجالست کند من خودم را کنار نمی کشانم من می خواهم با او انس بگیرم با او مجالست کنم بعد جملاتی در وسط الشَّهْرِ شَهْرِي وَ الْعَبْدُ عَبْدِي وَ الرَّحْمَةُ رَحْمَتِي ماه ماه من است بنده بنده من رحمت رحمت من جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي این

ماه را یک ریسمانی بین خود و بندگانم قرار داده ام فَمَنْ آغْتَصَمَ بِهِ وَصِلَ إِلَى كَسِي كَه چنگ به این ریسمان بزند به من می رسد.

پس خیلی مطلب عظیم است این ماه حبل الله است آنچنان كه قرآن حبل الله است آنچنان كه امیرالمومنین علی علیه السلام حبل الله است آنچنان كه امام عصر ارواحنا فداه حبل الله است طبق این روایت ماه رجب هم حبل الله است.

جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي شما در قعر چاه افتاده ها را دعوت می کنم بیایید دست به این ریسمان بزنید و به سمت من حرکت کنید وصل علی مرحوم حاج میرزا ؟ ملکی تبریزی ذیل این عبارت این جملات را به عنوان

تنبيه و بیداری ما می فرمایند و يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ افسوس حسرت كه ما داریم چقدر این نعمت ها را تلف می کنیم این امکاناتی كه خدا برای ما قرار داده است مفت و مجانی از دست می دهیم كه حالا نمی فهمیم چه

نعمت ها از دست می دهیم يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ عین الشاکرین كجا هستند کسانی كه ارزش نعمت را بدانند و شاکر باشند عین العقلاء عاقلان و خردمندان اندیشمندان كجا هستند یک قدری راجع به این مطلب بیاندیشند

اندازه این رحمت را تشخیص بدهند من تقدیر حق هذا النداء این ندا كه از آسمان بلند است ارزش این ندا را تشخیص بدهند خیلی به سهولت و سادگی رد نشوند. بعد می فرماید چه می شود كه کسانی هستند با من همراه شوند بگویند

لبیک وصل علیك این منادی كه ندا می كند دعوت می كند این آدمی به هوش بیاید لبیک و سعدیک و صلاه و السلام علیك ایها المنادی ای کسی كه از جانب خدا آمدی دعوت می كنی لبیک و سعدك خلاف ادب می شود کسی آدمی را

بخواند یک فرد عادی آدم جوابش را ندهد تا برسد به شخصیت بزرگی آدمی را بخواند کسی از جانب شخص عظیمی پیام آورده باشد آدمی را بخواند و جواب ندهد هست جواب دهنده ای بگوید الصلاه و السلام علیك ایها المنادی من الله

الجميل الجليل ملك الملوك ارحم الراحمين بعد می گوید فاعلم ايها الرسول الكريم خطاب به اين ملك می کند اين عالم بزرگوار ای رسول کریم ای فرستاده خدا که فرستاده بزرگوارى پیک بزرگوارى با که دارى صحبت می کنی انک تنادى امواتا فى صور الاحيا تو دارى ندا می کنی مرده هاىی که در صورت زنده هستند آدم اعتراف کند حداقل به اینکه من مرده ام هر چه هم صدا می کنند ندا به گوشم نمی رسد بالاخره اين ندا دلی هست که بشنود گوش های قلب ها اگر کر شود نمی شوند ام هستند دل هاىی که شنوا هستند آنها می شنوند حالا اين مردم بزرگ با او صحبت می کند ايها الرسول الكريم انک تنادى اموات فى صور الاحيا فان القلوب ميتة و العقول هاجر دلها مرده است عقل ها کوچ کرده مثل اینکه رها کرده وجود ما را عقل ها کوچک کرده ؟ ؟ اين جان ها اختلال پیدا کرده فكيف تنادى الاموات و الاموات لا ينتفع من الندا چطور مرده ها را صدا می کنی و حال اینکه مرده ها جوابی به صدا نمی دهند مگر الا ان تحیی به ندائك القلوب مگر لطفی بشود با همین صدا مرده ها را زنده کند ممکن است با همین صدا مرده را زنده کنی بعد به گوش او بشنوانی مگر چنین لطفی شود ان تحیی به ندائك القلوب و ترد العقول على الرؤوس با همین ندا اين عقل های از سر پریده را دوباره به سرها برگردانی و ؟ الارواح جان های از بدن ها هجرت کرده را دوباره به بدن ها برگردانی روح انسانی را روح حیوانی که همیشه است همه زنده ایم به آن روح همه زنده ایم ولی آنی که اين نقل می گوید مرده است آن روح انسانی است اين هم جملاتی راجع به عظمت ماه رجب و فرشته منادی که ملك داعی است.

اما راجع به شب رقائب هم فرمودند لَا تَغْفُلُوا عَنْ لَيْلَةٍ أَوَّلِ جُمُعَةٍ غفلت نکنید اين شب اول شب جمعه اول ماه رجب را به سهولت و سهل انگارى از دست ندهید لَا تَغْفُلُوا عَنْ لَيْلَةٍ أَوَّلِ جُمُعَةٍ مِنْهُ فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ تُسَمِّيهَا الْمَلَائِكَةُ لَيْلَةَ الرَّغَائِبِ، امشب شب رغائب است رغبت های بيدار دلان در اين شب زيادتر می شود آنها همیشه رغبت به عبادت دارند اما امشب حال ديگری دارند

تحولی در جانسان پیدا می شود اینها رغبت و شوق و اشتیاقشان به عبادت بیشتر می شود امشب یک ثلث از شب که بگذرد
وَذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا مَضَى ثُلُثُ اللَّيْلِ لَا يَبْقَى مَلَكٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا تَمَامَ فَرَشْتِهِ هِيَ آسَمَانُهَا وَزَمِينُهَا دُورُ كَعْبَةِ اجْتِمَاعِ
می کنند امشب ثلث اول شب همه فرشتگان همه نزول می کنند دور کعبه اجتماع می کنند إِلَّا وَاجْتَمَعُونَ فِي الْكَعْبَةِ
وَحَوَالِيهَا، وَيَطْلِعُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَعْدَ خَدَاوَنَدِ نَظَرِ لُطْفِ وَعِنَايَتِي بِي أَنَّهُمَا كُنْدَ فَيَقُولُ لَهُمْ: يَا مَلَائِكَتِي سَلُونِي مَا شِئْتُمْ؟ از من
بخواهید هر چه می خواهید آنها امشب چه می خواهند در کنار کعبه فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا حَاجَتُنَا إِلَيْكَ أَنْ تُغْفِرَ لِمُؤَامِرِ رَجَبٍ.
خدای ما آن که از تو می خواهیم امشب شب جمعه کنار کعبه آن هم فرشتگان از خدا می خواهند می خواهیم کسانی که اهل
ماه رجب هستند اگر موفق بودند روزه دار بودند خوشا به حال کسانی که توفیقی دارند سعادت مند هستند روزه دارند عباداتی که
در این شب انجام می دهند مشمول دعای فرشتگان خدا قرار می گیرند بعد خدا جواب می دهد فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: قَدْ فَعَلْتُ
ذَلِكَ دَعَائِهِمْ مُسْتَجَابٌ كَرَّمُ أَنْ كِهْ خَوَاسْتِهْ اید برای رجبیون شما دعا کرده اید من هم قبول کرده ام.

ما در روایات می شنویم می خوانیم که گاهی برای عمل بسیار کوچکی پاداش بزرگی می دهند گاهی تعجب می کنیم
یعنی این عمل به این کوچکی اینقدر پاداش عظیمی دارد گاهی به قدری بزرگ است که آدم به نظری افسانه می آید
بی اساس می آید یک کار به این کوچکی این همه پاداش عظیم مثلا در هر شب ماه رجب آدم یادش نرود این مقدار
بی حالی صحیح نیست در هر شب ماه رجب دو رکعت نماز بخواند با یک حمد سه سوره قل یا ایها الکافرون یک سوره
توحید بعد بخواند دو رکعت در هر رکعت به این کیفیت خوب این دو رکعت کسی هر شب ماه رجب بخواند می شود
شصت رکعت سی تا دو رکعت می شود شصت رکعت ثواب شصت حج و شصت عمره به انسان داده می شود حج چقدر
عظیم است زحمت دارد یک حج تا بخواند شصت حج و شصت عمره انسان در خانه خودش بنشیند دو رکعت نماز هر

شب ده دقیقه بیشتر طول نمی کشد این را بخواند ثواب شصت حج و شصت عمره به انسان داده شود یا در یک شب ماه رجب نه هر شب یک شب در این سی شب یک شب را در نظر بگیرد در آن یک شب دو رکعت نماز بخواند و صد قل هو الله صد قل هو الله در یک رکعت بخواند یا پنجاه تا این رکعت پنجاه تا آن رکعت که در دو رکعت صد قل هو الله بخواند این ثواب صد سال روزه به انسان داده شود و قطعی مجاور قطع رسول اکرم در بهشت داده شود این چقدر عجیب است در تمام ماه رجب در یک شب دو رکعت نماز خوانده این همه ثواب عظیمی. یا روزه های ماه رجب موفق نمی شود به روزه داری مثلا هر روز یک گرده نان صدقه بدهد که این ثواب همان سی روز روزه ماه رجب با همه آن ثواب های عظیمی که دارد به او داده می شود این تعجب آور است برای ما یعنی دو رکعت نماز این همه ثواب های عظیم. خوب اگر ما غافل از این نکته ایم که اصلا ؟ ؟ نظام خلقت اعطای کثیر به قلیل است جریان آفرینش اصلا همین است کار خداوندی و شان خداوندی اعطای کثیر به قلیل است در دعای رجب می خوانیم روزها یا یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ ای خدای بزرگواری که عمل اندک می گیری و پاداش عظیم می دهی کثیر یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ کار خدا همین است. شانش همین است نطفه مرده فاقد همه کمالات را چطور حرکت داده چه انسانی ساخته نطفه مرده فاقد همه کمالات آمده این نطفه را آورده انسانی ساخته است با صدها و هزارها نعمت های عجیب به او داده بینایی شنوایی بویایی عقل هوش این همه نعمت ها که انسان از تصور عظمت آن عاجز است مگر این نطفه مرده به این دستگاه خلقت چه داده که این همه نعمت گرفته این همه نعمت داده اند به او چه داده ایم ما به این دستگاه که این را گرفته ایم اگر تمام دنیا و ما فیها را بدر کنند نطفه را به مقام انسانیت ممکن نیست برسانند تمام آنچه در دنیا است بدر کنند که این نطفه را به مقام انسانیت برسانند اما او که رب است استعداد نازلی در همین نطفه دیده حرکت داده او را آورده است

چنین موجودی زنده زیبا عالم حکیم لایق رسیدن به مقام لقاء خدا به مقام قرب و رضوان خدا قرار داده است آیا این عنایت بزرگ نیست یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ این همه مقامات شامخ و کمالات عالی را به یک استعداد نازل و دانی عنایت فرموده است مگر این دستگاه نیست دستگاه خلقت مگر نیست یک دانه گندم از ما میگیرد در دل خاک تبدیل به هفتصد دانه می کند یک دانه گندم را تبدیل می کند به یک خوشه هفتصد دانه ای كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ مگر همین نظام نیست که یک گردو را از ما می گیرد تبدیل می کند به یک درخت باروری ده هزار گردو تحویل ما می دهد این نیست. یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ به ما گفته اند شما حسن ظن به خدا داشته باشید چه تعجب از این دستگاه وهاب بخنده که دو رکعت نماز ده دقیقه ای بگیرد صد سال ثواب روزه و قطعی مجاور قطع پیغمبر در بهشت به ما عنایت کند این تعجب ندارد انه کریم وهاب گفتند همیشه ؟ به خدا باش رفتار خدا با بنده اش به میزان ظن بنده با خدایش خواهد بود این دعا را گفتند همیشه بخوانید اللهم صلی علی محمد و آل محمد إرزقنا الیقین وحسن الظن بک خدایا هم به من یقین عنایت کن هم حسن ظن یقین عنایت کن ایمان به اینکه علمت بی پایان است قدرت بی پایان است بعد هم حسن ظن به اینکه کرم و رحمت بی پایان است یا مَنْ أَرْجُوهُ لِکُلِّ خَيْرٍ باید به خدا امیدوار بود برای هر خیر و کمالی. دست او بسته نیست بل یداه ؟ هر دو دستش باز است این هر دو دست کنایه است از کمال عنایت کمال لطف و مرحمت به سوی بنده اش باز است بل یداه ؟ هر دو دستش به سوی بندگان باز است منتها این قطعات خاک و آب و هواها مختلف است هر خاکی و هر آب و هوایی نمی تواند تخم را به آن هدف مطلوب برساند. آن غایت مطلوب برساند هر زمینی نمی تواند یک تخمه هندوانه بگیرد تحویل کند به یک بوته ده هندوانه سه منی تحویل بدهد هر خاکی نمی تواند یا هر خاکی یک دانه گندم را نمی تواند تبدیل کند به خوشه هفتصد دانه ای

خاک ها مختلف است هر رحمی هم نمی تواند نطفه را انسان کامل بسازد. رحم ها مختلف است خاک ها مختلف است آب و هواها مختلف است همچنین هر شب و روزی هر ماهی هم این خاصیت به او داده نشده است که یک جمله دعا را بگیرد یک رکعت نماز بگیرد صد رکعت صد سال عبادت یا قصر مجاور قصر پیغمبر به آدم عنایت کند این طور نیست مکان ها در پرورش بذر نباتات مختلف است زمان ها هم در پرورش بذر عبادات مختلف است ماه شعبان رمضان و رجب خاصیتی به آنها داده شده است که اینها می توانند بذر عبادت را بیپروا کنند به کمال مطلوب برسانند مکان ها هم همین است امکان در پرورش بذر عبادات مختلف است مسجد الحرام یک رکعت در آن بذر نماز ریخته شود تبدیل به صد هزار رکعت می کند خدا به همه ما انشاءالله روزی کند در مسجد الحرام و مسجد النبی سایر امکان متبرکه که بتوانیم حداقل دو رکعت نمازی بخوانیم که آن دو رکعت هر رکعتی صد هزار رکعت در مسجد الحرام تبدیل می شود. در مسجد النبی یک رکعت ده هزار رکعت تبدیل می شود. در مسجد کوفه یک رکعت هزار رکعت تحویل داده می شود در مسجد جامع هر شهری یک رکعت به صد رکعت تبدیل می شود. در مسجد م؟ هر رکعت به ۲۵ رکعت تبدیل می شود در مسجد بازار هر رکعتی دوازده رکعت فقیرترین مسجدها مسجد بازار می شود چون به دنیا نزدیکتر است هر چه به دنیا به پول صدای پول آنجا به گوشش برسد معنویتش کمتر می شود هر چه از صدای پول چهره پول سوداگری ها دورتر باشد آنجا معنویت بیشتر می شود و لذا می بینید مسجد بازار هر رکعت دوازده رکعت تحویل داده می شود لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ یک شب قدر ماه رمضان بهتر از هزار ماه است هزار ماه یعنی هشتاد سال هشتاد سال یک عمر خیلی زیادی است یعنی یک شب از سال اگر خوب انجام بشود صحیح انجام بشود برابر با عبادت یک عمر است یک شب اگر انسان خوب وارد شود برابر عبادت یک امر است به هر حال اینها همه یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ این همه اعطا کثیر به قلیل است

کم می گیرد و بیشتر تحویل می دهد پس در این شب ها نمی شود انسان به غفلت بگذراند در زمره غافلین نباشد در زمره ذاکرین طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ منتها باید توجه داشت کاری بکنیم تحقق پیدا کند این حقایق که مکرر عرض می شود تحکم حقایق یک مطلبی است آدم حقیقت ها را می فهمد این فهم حقایق خیلی مهم نیست خیلی ها هستند فهم حقایق دارند می فهمند اما آن حقیقت را به مرحله تحقق برساند یعنی در جوهر جان انسان بنشیند مطلب دیگری است تحکم بار بر فکر است ؟ بار بر قلب است حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا بله آن کسانی بار مغزشان شده تورات منحصر به تورات نیست کتاب آسمانی حقایق آسمانی دیگر تورات از باب مثال است چون تورات کتاب نور است در قرآن کتاب هدایت است به قلب و مغزشان رسانده اند فهمیده اند اما ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا در عین حال که حملوا لم يحملوها حملوا فکرا درکا لم يحملوها قلبا گرایش نیست درک به مطلب غیر گرایش به آن مطلب است آدمی بفهمد مطلبی را خوب هم بفهمد در مقام بیان هم خوب بیان کند خوب تشریح کند ولی هیچ ارتباطی به مساله گرایش قلبی ندارد درکش عالی است بیانش شیواست درک عالی بیان شیوا هیچ ارتباطی ندارد که آن قلب قلب وقادی باشد قلب گیرایی باشد آن منظور است اگر بنا شد حقیقتی در قلب آدم جا بگیرد با جوهر جان متحد بشود از تمام نواحی و ابعاد وجود انسان سر می کشد این طور نیست که مکتوم بماند پری چهره تاب مسطوری ندارد اگر واقع شود در جوهر جان آدم از تمام ابعاد سر می کشد و از تمام داعیه ها و روزنه های وجود انسان خودش را نشان می دهد چون تمام قوا و اعضای انسان همه فرمانبر قلب هستند تمام قوا عقلی حسی تمام اینها فرمانبر عقل هستند به هر چیزی قلب انسان گرایش پیدا کند متحد با او بشود این چشم گوش دست و پا تمام اعضا و جوارح هم به همان سمت متوجه می شود به هر چه قلب گرایش پیدا کند تمام قوا به همان سمت متوجه می شوند گرایش به آن پیدا می کنند و مظهر آن واقع می

شوند تمام قوا مظهر همان چیز واقع می شود که قلب آدم مرکز او شده. هر چه اگر بنا شد یک درختی مثلا ریشه بدواند در عمق زمین اگر درختی در عمق زمین ریشه بدواند خود خاک را به خودش جذب می کند همان خاک تیره همان آب را به خودش جذب می کند هضم می کند با او متحد می سازد می بینیم که از لابلای این شاخه های درخت برگ های باطراوت روید میوه های با حلاوت نشان داد آن برگ های باطراوت و میوه های باحلاوت چیست همان خاک تیره است همان خاک تیره آب است چون گرایش به درخت پیدا کرده مجذوب شده اتحاد به جوهر او پیدا کرده از لابلای شاخه ها سرکشیده برگ ها نشان داده می شود میوه ها نشان داده می شود این روش طبیعی اش است و لذا شجره طیبه قرآن اگر راستی ریشه بدواند در قلب آدم شجره طیبه نیست اگر ریشه بدواند در قلب آدم و تمام قوای عقلی و حسی عالم را جذب می کند هضم می کند با خود متحد می کند انسان می شود انسان قرآنی. قرآن دان نه می شود قرآنی. هر قدر میان یک انسانی که قرآن دان باشد یا قرآنی باشد این فرق می کند انسان قرآنی می شود در این موقع آن وقت تمام قوای او چشم او گوش او دست و پای او همه آثار قرآن را نشان می دهند چشمش پاک می شود زبانش پاک می شود گوشش پاک می شود.

دیگر تمام کسب و کارش پاک می شود تمام فعالیت هایی که دارد چنان منبعث می شود از آن قلب قرآنی چشم قرآنی گوش قرآنی زبان قرآنی تخطی نمی کند سکوتش می شود فکرت کلامش می شود حکمت و نگاهش می شود عبرت که در روایت داریم ای برادر تو همان اندیشه ای مابقی تو استخوان و ریشه ای آن حقیقت انسان چیست همان قلب آدمی است مرکز او وجود اوست گر بود اندیشه ات گل گلشنی ور بود خاری تو هیمه ؟ تا آن چه باشد آن که در قلب آدم جا گرفته آن چه باشد اگر گل باشد بوی خوش گل از تمام نواحی وجودی او به شامه انسان می رسد چون تمام وجودش

غرق در گل شده است اگر خار باشد همه اش نیش است نگاهش نیش دار است گفتارش نیش دار است قلمش نیش دار است قدمش نیش دار است تمام آثار وجودی او آثار خار بودن است ای برادر تو همان اندیشه ای مابقی تو استخوان و ریشه ای گر بود اندیشه ات گل گلشنی ور بود خاری تو هیمة گلخنی. که مرکز عبادت قلب است دیگر مظهرش بدن است باید بدن نشان بدهد آن حالات قلب را متأسفانه گاهی بدن در مظهریت خودش کاذب از آب در می آید دروغگو از آب در می آید به حسب ظاهر نشان می دهد من موحد هستم دروغ می گوید بدن به رکوع رفته در همان حال که رکوع برای خدا کرده می گوید اللهم رکعت در همان حال فکرش جای دیگر کار می کند با خدا نیست زبان می گوید اللهم رکعت بدن خم شده ولی قلب با خدا نیست. اینجا این رکوع بدن کاذب شده است دروغگو از آب در آمده لک رکعت می گوید ولی در واقع قلبش راکع نیست به سجده رفته یعنی خدا من خاک افتاده ام پیش پای تو اما قلبش جای دیگر است بدن در حال سجده است اما قلب در حال دویدن از این طرف به آن طرف است فکریایی دارد نقشه هایی طرح می کند در همین موقع این سجده مظهر نیست این کاذب از آب در آمده و لذا از یکی از اهل مکاشفه نقل شده وارد مسجدی شدم دیدم تمام صف هایی که به جماعت ایستاده اند همه شان پشت به قبله هستند فقط چند نفری رو به قبله هستند یعنی در همان حال که بدن ها رو به قبله ایستاده بود در همان حال دل ها با خدا نبود بدن ها رو به کعبه ایستاده بود ولی دل ها با خدا نبود منتها چشم دل می خواهد تا صورت دل ها را هم بتواند ببیند و لذا زبان لا اله الا الله می گوید یعنی می خواهد بگوید قلبا موحد هستم من در قلب موحد هستم حال پناه بر خدا اگر قلب بتخانه باشد پر باشد از بت های ریز و درشت که در آن حاکم هستند زنش در قلبش حاکم است اولادش حاکم است خانه اش حاکم است ماشینش حاکم است برای حفظ اینها می تواند پا روی احکام خدا هم بگذارد این موحد نیست

زبان می گوید لا اله الا الله ولی قلب موحد نیست بت های ریز و درشت در آن خوابیده است زبان می گوید لا حول و لا
 قوه الا بالله یعنی قلب متوکل است این طور می خواهد بگوید بگوید متوکل در حالتی که نه دل از اقبال دنیا می خندد
 از ادبار دنیا می گرید اگر پول داران زورداران از او اعراض کنند مایه مرگ اوست این آقا متوکل است این آدمی که از
 اقبال دنیا و ادبار دنیا تغییر حال پیدا کند آیا این می شود متکول لا اله الا اللهش درست است لا حول و لا قوه الا
 باللهش درست است پس اگر در خودمان سیر و سلوکی نمی بینیم در قلبمان حرکتی نمی بینیم یک قدری تجدیدنظر
 در اعمال عبادی مان کنیم که نکند این اعمال عبادی صالح نیست و الا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ عمل صالح حرکت می
 دهد انسان را بالا می برد سجده ها باید بالا ببرد آیه آخر سوره علق آیه سجده است این آیه را نمی خوانم ولی ترجمه
 اش همین است می گوید سجده کنید تا به خدا نزدیک شوید یعنی سجده مقرب است آیه آخر سوره علق مضمونش
 این است که سجده کنید به خدا نزدیک شوید سجده مقرب است حالا اگر دیدیم مقرب قرب احساس نمی کنیم سجده
 ها مثل اینکه سجده جان دار نیست در روایتی داریم از امام صادق علیه السلام فرمود و الله ما ؟ به خدا قسم هرگز کسی
 خاسر نخواهد بود زیان کار نخواهد بود اگر در تمام مدت عمر یک سجده جان دار انجام بدهد یک سجده در تمام مدت
 عمرش شصت سال هفتاد سال عمر کرده اگر بتواند یک سجده سجده واقعی انجام بدهد امام صادق قسم خورده و الله ما
 ؟ ممکن نیست زیان ببیند هیچ ممکن نیست به خطر بیافتد اگر یک سجده جان دار داشته باشد آخر سجده جان دار
 هم به این سادگی نیست یک عمر زحمت می خواهد واقعا که مایه دار بشود واقعا سجده جان دار داشته باشد انسان با
 روحی باشد. این که دم مردن فرمودند کسی که آخرین کلمه اش لا اله الا الله باشد بهشتی می شود یعنی چه یعنی یک
 عمر رنج کشیده واقعا جاروب کرده لا اله الا الله جاروب کردن است این لا جاروب است جاروب می کند هر چه غیر از

خداست یک عمر زحمت زحمت جاروکشی داشته همه اش جارو کرده دم به دم عادت کرده ملکه راسخه ای شده در آن و لذا موقعی که می خواهد بمیرد محبوبی جز خدا ندارد یک مرتبه گفت لا اله الا الله همه را ریخت و فقط به دامن لطف خدا افتاد این بهشتی خواهد شد اگر بتواند بگوید این مایه می خواهد آدم بتواند بگوید به هر حال یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ یکی از بزرگن سیر و سلوک بوده از او نقل می کنند که من رفتم مکه مشرف شدم مناسک حج را انجام دادم برگشتم به مدینه مشرف شدم زیارت رسول اکرم بعد خواب دیدم حضرت را به من فرمود وقتی به کوفه رفتید چون اهل کوفه بود وقتی به کوفه رفتید به بهرام گبر سلام من را برسان بگو مطمئن باش من شفیع تو هستم در روز قیامت من تعجب کردم از خواب بیدار شدم گفتم بهرام همسایه من بود در کوفه آدم گبر مجوسی بود یعنی چه پیغمبر فرمود من شفیع او هستم به هر حال وقتی تمام شد اعمالم برگشتم به کوفه کارهایم تمام شد رفتم در خانه اش با او آشنایی نداشتم او گبر من مسلمان رفتم در خانه اش نشسته بود دید تعجب کرد یک فرد مسلمانی یک فرد محترم از بزرگان آمده منزل او نشستم گفتم تو در این عمرت چه کار کردی کار خوب که خداپسند باشد به خاطرت می آید یک قدری فکر کرد گفت به نظرم کاری مهم باشد انجام ندادم چند تا دختر و پسر دارم اینها را با هم تزویج کردم برادر خواهر چون در مذهب مجوس جایز است با محارم ازدواج می کنند برادر خواهر با هم ازدواج کردند گفت این که کار غلطی است در مذهب ما عصیان است کار خداپسند است گفت کار خداپسند دیگری گفت چند تا زنار درست کردم علامت مجوسی به گردنشان می اندازند درست کردم قرب الی النار هر کسی به حد بلوغ رسید یکی از اینها به گردنش بیاوید گفتم این هم کار خداپسندی نیست غلط است کار دیگری فکر کرد گفت چیزی به نظرم نمی آید الا اینکه به نظرم نمی آید خوب باشد یک شبی با اینکه عروسی داشتیم ؟ بعد یک زن مسلمانی همسایه ما است چند تا یتیم دارد

آمد اول شب دیگ ها سر بار بود غذاها می پخت آمد آتش ببرد چراغ روشن کند چراغش را آورد روشن کرد رفت بین راه خاموش کرد دوباره برگشت روشن کرد چندین بار این عمل تکرار شد من به ذهنم رسید این شاید برای گرفتن غذا آمده به بهانه چراغ روشن کردن غذا می پزیم بویش رفته به خانه آنها آمده غذا بگیرد منتها رویش نشده به من بگوید شاید برای این باشد رفتم دنبالش در خانه اش وقتی پشت در ایستادم وارد شد در خانه بچه ها یتیم دویدند به سمت مادر گفتند مادر برای ما از خانه همسایه چه آورده ای که امشب عروسی دارند گفت این زن متاثر شد گفت نور دیدگانم خجالت کشیدم که شکایت از خدا را پیش کسی که خارج از مذهب است ببرم که از دوست پیش دشمن گله کنم حیا کردم چیزی نگفتم من فهمیدم این خانواده امشب شام ندارند قوتی ندارند این زن را فهمیدم چه می گوید برگشتم به خانه خودم یک طبقی پر کردم از تمام غذاهایی که پخته بودیم پر کردم بعد بردم در خانه اش دادم شاید این باشد کار خوبی که انجام داده باشم این مرد گفت همین اینکه دنبالش می گشتم همین بود حالا آمدم به تو بشارت بدهم پیغمبر ما در خواب به من گفته است سلام من را به بهرام برسان و بگو من شفیع تو هستم در روز قیامت تا این را گفت این مرد دگرگون شد حالش منقلب شد قطرات اشک از چشمش ریخت گفت واحسرتا وادامتا عجب این دین مقدس شما که اینقدر دقیق و باریک بین است برای مختصر طعامی و غذایی که چیزی نبوده من برده ام داده ام اینقدر ارزش قایل است این قدر عظمت و احترام برای این عمل قایل است وای بر من یک عمر در حال کفر بوده ام بی راهه می رفتم در حال شقاوت و محرومیت بوده ام حالا اسلام را به من عرضه کن تا من هم مسلمان بشوم شهادتین را بر او تلقین کرد او هم به شرف اسلام در آمد این مصداق **يَا مَنْ يُعْطَى مِنْ سَالَةٍ** و **مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ** و **مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ** او کسی است که نه تنها به مومن می دهد که آن هم بخواهد حتی به کسی که آشنایی ندارد از در خانه اش اعراض کرده نه تنها چیزی نمی خواهد

بلکه او را نمی شناسد مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ این آدمی بوده که اصلا با خدا آشنایی نداشته در عین حال عنایت به این عظمت یعنی گوهر ایمان به او داده گوهر ایمان که سرمایه حیات ابدی است در مقابل یک طبق طعام غذا در مقام یک طبق غذا گوهر ایمان داده پس يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ وَ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ پس در این شب ها باید در خانه اش بیشتر رفت به حمدالله در آستان اقدس اهل البيت عليهم السلام هستیم ما خیلی فاصله گرفتیم از دیگران خیلی و قدم های بلندی در این راه رفته ایم جلو سر به آستان اقدس اهل بیت عصمت در این شب ها یک قدری بیشتر فرمودند الیل کبیر لا تقصره به طول منامک شب بلند است با خواب زیاد کوتاهش نکن حیف است با خواب زیاد کوتاهش نکن روزها روشن است و النهار مضیع تا تکدره به ؟ با گناهانت چهره روز را سیاه نکن روز روشن است تو با گناهانت تاریکش نکن شب طولانی است با خواب کوتاهش نکن در این شب برخیز برای تحجد شب جمعه شب استغفار از خدا می خواهیم به لطف عنایت خودش به حرمت ۱۴ معصوم پاک عليهم السلام این تیرگی ها را از چهره جان ما برطرف بفرماید و نور یقین و ایمان به طور کامل بر قلب های ما بتاباند و ما را در این شب ها مخصوصا در این شب جمعه لیلہ الرغایب به تحجد و استغفار ؟ موفق بگرداند انشاءالله و همه گذشتگان ما را غریق رحمت بفرماید مخصوصا رهبر کبیر فقید انقلاب را هم غریق رحمتش بسازد و شهدا مغفور و مفقودین و اسرا را سالما به خانواده هایشان برگرداند کسانی که با حفظ موازین دین به ملت و مملکت خدمت می کنند تاییدشان بفرماید همه ما را در صراط مستقیم دین در سایه محبت اهل البيت عليهم السلام و السلام موفق به طاعت با اخلاق بفرماید صلی الله علیک یا مولانا یا ابا عبدالحسین این شب جمعه شب زیارت امام حسین ما که دستمان نمی رسد فرمودند شما که دور هستید اینقدر در رحمت باز است آن ثواب زیارت به آن عظمت شما زیر آسمان بروید به سمت کربلا اشاره کنید بگویید السلام علیک

یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمت الله و برکاته در زمره زوار حسابت را می کنند این در رحمت باز است السلام علی

ال؟ ما از همین جا سلام می کنیم به آن چهره آغشته به خونی که روی خاک های گرم کربلا افتاده بود السلام علی ؟ ؟

سلام ما بر آن محاسن شریف آغشته به خونت یا ابا عبدالله السلام علی راس المرفوع یا ابا عبدالله آن سر مطهرت که

بالای نی زدند و شهرها گردانیدند.

السلام علی ال